

انحراف از تقوا*

ژان رولو. ترجمه شراره شاکری

۳۰۵

زندگی ماریان، اثر ماریوو

رمان‌هایی که در گذشته به زبان اول شخص نقل می‌شدند و به عنوان اتوبیوگرافی قهرمانان در نظر گرفته می‌شوند، در زمره رمان‌های تربیت احساسی یا اجتماعی قرار می‌گیرند. در این رمان‌ها، پرسوناژ سالخورده و عاقل با نقل شیطنت‌های دوران جوانی‌اش، قصد دارد چگونگی تکوین شخصیت کنونی خود را بازگو کند. «زندگی ماریان»، اثر پیر کارله دو ماریوو از این قاعده مستثنی نیست: زنی پیر و جاافتاده که ۵۰ سال دارد، در سال ۱۶۹۰، داستان زندگی‌اش را برای «دوست عزیزش» نقل می‌کند. نخستین بخش رمان در سال ۱۷۳۱ چاپ شد (آن زمان ماریوو ۴۳ سال داشت). ۱۰ بخش دیگر رمان تا سال ۱۷۴۲ به شکلی پراکنده به چاپ رسید، اثر ناتمام باقی ماند و ماه‌نوز نمی‌دانیم که ماریان چگونه کنتس شد!

از خوشبختی تا بدبختی، از موفقیت تا شکست، زندگی ماریان مبتنی بر یک سلسله‌امور بی‌پایه و اساس نیست، بلکه تمرین سختی است برای رسیدن به فتح و پیروزی. اگر هوش و فراست ماریان او را به طور غریزی از خطرات گناه یا فواید تقوا آگاه نکرده، پس احتمالاً او از لا و لاس «LoveLace» دور نبوده است. بنابراین باید

برای او نامی را جستجو کرد که از منزلت اجتماعی، ثروت و قدرت نشأت می‌گیرد. زمانی که ماریان دو ساله بود، پدر و مادرش توسط دزدان کشته شدند و او همه چیز، حتی اسمش را از دست داد. تیتز کامل اثر با عنوان «زندگی ماریان یا ماجراهای خانم کنس» نشان می‌دهد که او نوشتن را بعد از حل شدن معمای مربوط به اصلیت خانوادگی اش، آغاز کرد. از همان بخش نخست، این موضوع را با شخصیتی خیالی که با او مکاتبه می‌کند، در میان می‌گذارد: «فراموش مکن که توبه من قول داده بودی که هرگز نگویی من چه کسی هستم، من می‌خواهم که تو تنها کسی باشی که مرا می‌شناسد». او در تربیت خود از ماجراها بهره نمی‌گیرد، ماجراها او را تغییر نمی‌دهند، زیرا او از خصوصیات مادرزادی اصالت روح برخوردار است اما از آنجا که بدون نام متولد شده، فاقد هر نوع مقام و منزلت اجتماعی است. او از نظر اجتماعی شخصیتی به شمار نمی‌رود و حضورش در تمامی طبقات اجتماعی تغییر یافته به نظر می‌رسد. اشکال دیگری نیز در شخصیت ماریان دیده می‌شود، او تنها صمیمیت به وجود نمی‌آورد بلکه متعاقب آن میل را نیز برمی‌انگیزد. تقوای او، هوش و ذکاوتش در بازی‌های قدرت و کاربرد هوشمندانه اش از حقیقت، حامیان او به شمار می‌روند، به همین دلیل، برای او که دختری جوان و زیباست، ماجراها تضمین شده هستند.

او در فضایی آسوده، شهوت نهفته را بیدار می‌کند. ماریان بی آنکه هیچ یک از گروه‌های اجتماعی از او حمایت کنند، به آنچه که آن را فرصت استثنایی می‌خوانند شبیه است، او یک فرصت استثنایی است.

او هدف زیبایی‌میل و وسوسه است. ماریان هرگز به امیالی که تحریک می‌کند تسلیم نمی‌شود



ولی شیوه ای را در پیش می گیرد که در آن مخاطبش به تدریج از عادات خوب خود دور می شود. والی (Valille) هر چند از طبقه اشرافی است، ولی بدون گفتار ظاهر می شود. او برای مقاومت در مقابل ماریان به دل و جرأت زیادی نیازمند است که آن را در خود سراغ ندارد. تربیت ماریان، تربیت سرسختی و لجاجت است، این تربیت ها به او کمک می کند تا از موقعیت قربانی به فرمانروایی خشنود تغییر موضع دهد. هر چند که در نهان، او از طبقه اشراف است ولی همه چیز را از بدو تولد می داند. او با گذر از گروه های مختلف اجتماعی، عاقبت جایگاهش را می یابد و در آنجاست که وجودش با تقواهای رایج در طبقات اجتماعی یکی می شود. ظاهر خوشایند او در نظر مطلوب می آید و به دلها راه می یابد و یافتن نامش به بناکردن دوباره وحدت وجودش کمک می کند.

ماریان، کاربرد اصول و علائم را یاد نمی گیرد، او می خواهد بداند که چه کسی است؟ جستجویش نقاب از چهره جامعه برمی دارد. او آشفته گی قلب ها را در پس احترام ظاهری به ضوابط نشان می دهد. ♦ ♦



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشگاه علوم انسانی مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی